



# برخورد ایدئولوژی‌ها در ترکیه از عثمانی‌گرایی تا اسلام‌گرایی مدرن

مأده ارکان



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۵

ارکان، مانده.

برخورد ایدئولوژی‌ها در ترکیه از عثمانی‌گرایی تا اسلام‌گرایی مدرن / مانده ارکان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.  
هشت: ۲۷۱ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۷۷: علوم سیاسی؛ ۱۱)  
ISBN: 978-600-298-149-3  
بها: ۱۳۳۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه: ص. [۲۵۳]-۲۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. اسلام و سیاست - ترکیه. ۲. اسلام - ترکیه. ۳. فراتجدد - ترکیه. ۴. ترکیه - سیاست و حکومت. الف. پژوهشگاه  
حوزه و دانشگاه. ب. عنوان  
۱۳۹۵ ب۴ الف/ب۲۳۱ BP  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۹۷/۴۸۳۲  
۳۷۰۵۵۲۹



برخورد ایدئولوژی‌ها در ترکیه از عثمانی‌گرایی تا اسلام‌گرایی مدرن

مؤلف: مانده ارکان

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویرایش و صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۳۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی:

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی - به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی - در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر پژوهشی بنیادی در حوزه گفتمان‌های سیاسی حاکم بر سرزمین عثمانی و جمهوری ترکیه مدرن می‌باشد که هر یک تحت شرایط سیاسی و اجتماعی این کشور شکل گرفته و برای مدتی بر این سرزمین حاکم بوده‌اند؛ گفتمان‌هایی که برای مدتی سیاست و اجتماع را در این کشور تحت تأثیر قرار دادند. این در حالی است که در جریان شکل‌گیری این ایدئولوژی‌ها نگارنده سعی کرده تا جایگاه دین را در هر یک از این گفتمان‌ها بررسی کند و سپس چگونگی تبدیل این پدیده الهی (دین) را به ایدئولوژی (اسلام سیاسی) و تغییر و تحول آن به گفتمان پسا اسلام‌گرایی (جامعه ایمانی و دموکراتیک) در کشور ترکیه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از پدیدآورنده محترم اثر سرکار خانم مائده ارکان و ناظران ارجمند آن جناب آقای دکتر سیداسدالله اطهری و حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل صادق الوعد (دارابکلانی) تقدیر و تشکر نماید.

## فهرست مطالب

### مقدمه

کلیات پژوهش یا پیشگفتار.....	۱
۱. طرح تحقیق.....	۱
۲. اهداف تحقیق.....	۷
۳. اهمیت، ضرورت‌ها و موارد کاربرد (توجیه علمی، اجتماعی، اقتصادی).....	۷
۴. سؤال اصلی.....	۷
۵. فرضیه‌ها.....	۸
۶. روش تحقیق.....	۸
۷. بررسی پیشینه تحقیق.....	۸
۸. تفاوت این تحقیق با تحقیقات دیگر.....	۱۰

### فصل اول: مروری بر شش گفتمان پان عثمانیسم، پان اسلامیسیم، پان ترکیسیم، سکولاریسیم، اسلام‌گرایی و پسا اسلام‌گرایی

مقدمه.....	۱۳
گفتار اول: فلسفه شکل‌گیری گفتمان‌های عثمانیان.....	۱۴
۱. پان عثمانیسم و پایان اتحاد دین و دولت.....	۱۵
۲. پان اسلامیسیم و اتحاد مسلمانان.....	۲۹
۳. پان ترکیسیم و وحدت ترکان.....	۳۳
گفتار دوم: فلسفه شکل‌گیری گفتمان‌های جمهوری ترکیه مدرن.....	۴۰
۱. سکولاریسیم و سکولاریزاسیون.....	۴۲
الف. ظهور دولت‌های سکولار.....	۴۴
ب. سیر تحول معنایی سکولاریسیم.....	۴۶
پ. معانی سکولاریسیم.....	۴۸
۱. جدایی دین از دنیا:.....	۴۸
۲. جدا کردن دین از حکومت:.....	۴۸

۵۰	۳. ایدئولوژیک شدن دین: .....
۵۰	۴. دولتی شدن دین: .....
۵۰	ت. اجتناب‌ناپذیری سکولاریسم .....
۵۲	ث. سکولاریسم از دیدگاه اندیشمندان .....
۵۳	۱. اندیشمندان غربی .....
۵۴	۲. اندیشمندان اسلامی .....
۵۹	ج. افول سکولاریسم و احیای اسلام و اسلام‌گرایی .....
۶۸	۲. اسلام‌گرایی معاصر و تجدید حیات دین .....
۷۱	الف. اسلام‌گرایان غیر سیاسی .....
۷۱	ب. اسلام‌گرایان سیاسی .....
۷۱	۱. اسلام‌گرایان ایدئولوژیک میانه‌رو: .....
۷۱	۲. اسلام‌گرایان ایدئولوژیک تندرو (رادیکال): .....
۷۲	الف. موج اول اسلام‌گرایی .....
۷۸	ب. موج دوم اسلام‌گرایی (از دهه هفتاد تا اواخر دهه هشتاد) .....
۸۱	۱. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی .....
۸۳	۲. شکست سوسیالیسم عرب در برابر رژیم اشغالگر قدس .....
۸۴	۳. افزایش قیمت نفت .....
۸۴	۴. انقلاب اسلامی ایران .....
۸۵	۵. شکست نیروهای شوروی از مجاهدان افغانی .....
۸۵	پ. موج سوم: پسا اسلام‌گرایی .....

### فصل دوم: کمالیسم زاینده ضرورت یا نیاز تاریخی: چرا آتاتورک ظهور کرد (مبانی اندیشه)

۸۹	مقدمه .....
۹۰	گفتار اول: ظهور کمال آتاتورک و اندیشه سکولاریسم .....
۹۱	۱. سکولاریسم در برخورد با گفتمان پان ترکیسم .....
۹۸	۲. تولد جمهوری و مدرن‌سازی .....
۱۰۴	۳. اصول کمالیسم .....
۱۰۴	الف. ناسیونالیسم: .....
۱۰۸	ب. سکولاریسم .....
۱۱۲	پ. انقلاب: .....
۱۱۳	ت. جمهوریت: .....
۱۱۳	ث. یوپولیسیم یا مردم‌باوری: .....
۱۱۴	ج. اتاتیسم یا دولت‌سالاری .....
۱۱۶	گفتار دوم: دستاوردهای کمالیسم سکولاریسم .....

## فصل سوم: اسلام‌گرایی در ترکیه (تحولات از دهه هفتاد)

۱۲۱	مقدمه
۱۲۱	گفتار اول: زمینه ظهور اسلام سیاسی در ترکیه
۱۲۲	۱. نظام چند حزبی و تأکید بر ارزش‌های دینی
۱۲۶	الف. پیروزی حزب جمهوری‌خواه خلق در انتخابات پارلمانی (۱۹۴۶)
۱۲۹	ب. پیروزی حزب راست‌گرای دموکرات در انتخابات پارلمانی (۱۹۵۰)
۱۳۴	پ. پیروزی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات پارلمانی (۱۹۶۱)
۱۳۶	گفتار دوم: تشکیل احزاب اسلامی و رشد اسلام سیاسی
۱۴۲	۱. به قدرت رسیدن اوزال (اصلاحات اقتصادی و رشد اسلام سیاسی)
۱۴۷	۲. ظهور حزب اسلام‌گرای رفاه
۱۵۱	۳. حضور اربکان در مرکز قدرت
۱۵۴	۴. سیاست‌های اقتصادی و سیاسی دولت اسلام‌گرای اربکان
۱۵۷	۵. کودتای ارتش و انحلال حزب رفاه (۱۹۹۷)
۱۶۰	۶. تولد حزب فضیلت

## فصل چهارم: حاکمیت گفتمان پسا اسلام‌گرایی (اسلام‌گرایی مدرن)

۱۶۳	مقدمه
۱۶۵	گفتار اول: تولد دو حزب سعادت و حزب عدالت و توسعه (آک پارتی)
۱۶۹	۱. آرا و اندیشه‌های فتح‌الله گولن
۱۷۱	۲. ساختار تشکیلاتی و پارادایم فکری حزب عدالت و توسعه
۱۷۲	۳. استراتژی حزب عدالت و توسعه
۱۷۹	گفتار دوم: به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه
۱۸۰	۱. انتخابات عمومی سال (۲۰۰۲) و پیروزی حزب عدالت و توسعه
۱۸۱	۲. عوامل مهم پیروزی حزب عدالت و توسعه
۱۸۱	الف. اقتصاد
۱۸۳	ب. خدمات اجتماعی (ارائه خدمات رفاهی به شهروندان)
۱۸۳	پ. دولت‌های ناکارآمد و فاسد گذشته و ناتوانی جریان‌های سیاسی برای حل مشکلات کشور
۱۸۳	ت. کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان
۱۸۳	ث. فرسایش دو حزب راه حقیقت و مام میهن
۱۸۴	۳. دومین پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات زودهنگام پارلمانی سال (۲۰۰۷)
	الف. رضایت‌مندی اقتصادی شهروندان از عملکرد خوب حزب عدالت و توسعه در طی پنج سال
۱۸۷	صدارت این حزب
۱۸۷	ب. عدم حضور دو حزب راه حقیقت و مام میهن در این انتخابات
	پ. حل بحران ریاست‌جمهوری توسط اردوغان و مظلوم واقع‌شدن گل در انتخابات ریاست‌جمهوری
۱۸۸	در سال ۲۰۰۷

ت. عملکرد درست حزب حاکم در عرصه سیاست خارجی: .....	۱۸۸
ث. اقدامات و سیاست‌های اصلاحی حزب عدالت و توسعه: .....	۱۸۸
ج. اعتدال و مدارا در رفتارهای حزب عدالت و توسعه و سالم بودن دولت اردوغان: .....	۱۸۸
۴. سومین پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال (۲۰۱۱): .....	۱۸۹
۵. چهارمین پیروزی حزب عدالت و توسعه: انتخابات ریاست جمهوری (۲۰۱۴): .....	۱۹۰
۶. پنجمین پیروزی نسبی حزب عدالت و توسعه: انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵: .....	۱۹۲
گفتار سوم: حزب حاکم در مواجهه با چالش‌های داخلی: .....	۱۹۴
۱. قانون اساسی: تلاش در جهت اصلاح و تغییر: .....	۱۹۴
۲. ارتش: تلاش در جهت کاهش اقتدار: .....	۲۰۱
الف. ارتش، کودتا و نقش دولت: .....	۲۰۱
ب. کودتای نافرجام ۱۵ ژوئن: .....	۲۰۷
۳. اقلیت‌ها، تلاش برای حفظ حقوق شهروندی: .....	۲۱۰
الف. مسئله کردیسم: .....	۲۱۰
ب. مسئله علویسم: .....	۲۱۹
۴. حجاب: تلاش در جهت رفع ممنوعیت: .....	۲۲۲
۵. پروژه ساخت و ساز در پارک گزی (زیست محیطی): .....	۲۲۵
۶. فساد مالی برخی اعضای کابینه: .....	۲۲۶
گفتار چهارم: سیاست خارجی پسا اسلام‌گرایان (۲۰۰۲-۲۰۱۷): .....	۲۲۷
۱. عضویت در اتحادیه اروپا: .....	۲۳۱
۲. تئوری «عمق استراتژیک»: .....	۲۳۶
نتیجه‌گیری: .....	۲۴۹

## منابع و مأخذ ..... ۲۵۳

### نمایه‌ها

نمایه اشخاص: .....	۲۶۵
نمایه موضوعات: .....	۲۷۳
نمایه مکان‌ها: .....	۲۷۷



## کلیات پژوهش یا پیشگفتار

### ۱. طرح تحقیق

ترکیه، کشوری با ساختار سیاسی پیچیده و بافتی چند قومیتی، از گذشته‌ای نه چندان دور صحنه ظهور و افول ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های سیاسی متفاوت بوده؛ به نحوی که برخورد ایدئولوژی‌ها از ظهور گفتمان‌های «عثمانی‌گرایی»،<sup>۱</sup> «پان اسلامیسم»<sup>۲</sup> و «پان ترکیسم»<sup>۳</sup> در دوران حاکمیت عثمانیان تا ظهور گفتمان‌های «سکولاریسم»<sup>۴</sup> «اسلام‌گرایی»<sup>۵</sup> و «پسا اسلام‌گرایی» (اسلام‌گرایی مدرن)<sup>۶</sup> در دوران جمهوری ترکیه مدرن در این کشور اجتناب‌ناپذیر بوده است. لذا این کشور وجود چندین ایدئولوژی را تجربه کرده که گاهی در توازی و گاهی در تعارض با یکدیگر بوده‌اند. ایدئولوژی‌هایی که توانسته‌اند شرایط سیاسی و اجتماعی این سرزمین را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهند و منجر به بروز تحولاتی مهم شوند.

نزدیک به دو قرن است که دولتمردان ترکیه، نخبگان و روشنفکران این سرزمین به منظور حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی و جلوگیری از فروپاشی این کشور، هر یک ایدئولوژی‌هایی را ارائه کرده‌اند که البته برخی از این گفتمان‌ها توسط دولت‌های وقت و برخی هم توسط روشنفکران بعضاً متمایل به غرب ارایه شده است. این گونه است که ترکیه بستری بوده برای ظهور و افول ایدئولوژی‌های گوناگون با اهدافی مشخص و به نسبت متمایز.

گفتمان‌ها یا پان‌های دوران سلطنت عثمانیان یعنی پان عثمانیسم، پان اسلامیسم و پان ترکیسم

---

1. Ottomanism.

2. Pan-Islamism.

3. Pan-Turkism.

4. Secularism.

5. Islamism.

6. Post-Islamism.

به‌ترتیب با تعریف جدیدی از تابعیت و با هدف نهادینه کردن هویت عثمانی در میان تمامی امت آن سرزمین از هر نژاد و مذهب، ایجاد وحدت میان امت زیر پرچم اسلام و در نهایت نهادینه کردن هویت ترکی میان تمام اقوام و نژادها و یک‌جا جمع کردن آنها داخل سرزمین عثمانی ظهور یافتند، تا بتوانند کشور را از خطر سقوط نجات دهند. اما هیچ‌یک از آنها به‌دلایلی نتوانستند موفق شوند، لذا به افول گراییدند و زمینه را برای ظهور دیگر گفتمان‌ها آماده کردند.

با پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ میلادی یک ژنرال ملی‌گرای ایدئولوگ توانست با استفاده از احساسات مردمی و همراهی علما و البته با بروز توانمندی‌های خود در جنگ استقلال<sup>۱</sup>، بر روی خرابه‌های امپراطوری عثمانی، جمهوری ترکیه مدرن را تأسیس کند و در مسیر مدرنیزاسیون کشور، سکولاریسم را ایدئولوژی حاکم گرداند. این‌گونه بود که به این سرزمین بحران‌زده که اروپاییان به آن لقب «مرد بیمار اروپا»<sup>۲</sup> را داده بودند، جانی تازه بخشیده شد و ساختار سیاسی جدید ترکیه با تأکید بر جدایی دین از سیاست در نظام جهانی متولد گردید.

اما هدف از ایدئولوژی‌های دوران جمهوری ترکیه مدرن یعنی سکولاریسم، اسلام‌گرایی و پسا اسلام‌گرایی به‌ترتیب جدا کردن دین از سیاست، حاکمیت یک اسلام سنتی و در نهایت حاکمیت اسلام مدرن و رابطه با غرب است که به پسا اسلام‌گرایی در این پژوهش تعبیر شده است. سکولاریسم گفتمانی است که با گذشت نُه دهه همچنان استخوان‌بندی و شالوده این سامانه سیاسی (ترکیه) را تشکیل می‌دهد و با حضور پسا اسلام‌گرایان در قدرت همچنان در حیات و از پشتوانه و مشروعیت مردمی برخوردار است. اما فساد سیاسی و اقتصادی دولتمردان سکولار در اواخر قرن بیستم باعث شد جامعه خواهان گفتمانی شود که آنها را از آن همه فلاکت نجات دهد. گفتمانی که از آن به پسا اسلام‌گرایی یاد می‌شود. این‌گونه بود که پسا اسلام‌گرایان توانستند با استفاده از این فرصت (وضع بد اقتصادی و بحران‌های سیاسی) و هوشمندی و ذکاوت در امور حکومتی یعنی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و البته حمایت آمریکا ساکن رهبری کشور را به‌دست گیرند؛ درحالی‌که به مقابله با سکولاریسم نپردازند و به اصول آنان احترام بگذارند و با آنها به تفاهم برسند.

---

۱. جنگ استقلال ترکیه به مقاومت نظامی و سیاسی ملی‌گرایان در برابر تجزیه امپراطوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۹-۱۹۱۴م) توسط متحدین گفته می‌شود. جریان ملی‌ترک در سرزمین آناتولی به شکل‌گیری مجمع بزرگ ملی به رهبری کمال آتاتورک انجامید. وی در این جنگ با نشان دادن لیاقت‌های نظامی خود و البته همراهی مردم و برخی علما توانست به پیروزی دست یابد.

2. Sick man of Europe.

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور و رهبر سابق حزب عدالت و توسعه اعتقاد دارد با توجه به تعریفی که حزب از سکولاریسم مبنی بر اینکه تکثرگرایی ماهیت اصلی پسا اسلام‌گرایی را تشکیل می‌دهد، ارزش‌های اسلامی و انسانی هم به تدریج باید وارد مدار جامعه شود. این گفتمان تلاش دارد محتوای ماهیت سیاست در ترکیه که چالش میان اسلام و سکولاریسم است را تغییر دهد و این چالش را به تفاهم تبدیل کند. البته گفتمان سکولاریسم کمالیسم هم در طی سال‌های اخیر تلاش کرده تغییراتی در نگرش‌ها و ایده‌های خود ایجاد کند. لذا حس رهاشدگی از قیود سنتی و سپس تغییر در متغیرهای سیاسی، ادبیات این دو گفتمان را دچار تغییر و تحول کرد؛ چنان‌که در صورت‌بندی مجدد این دو، «اسلام‌گرایی» به «پسا اسلام‌گرایی» تبدیل گشته و گفتمان «کمالیسم» هم در بعد نظری به «نو کمالیسم» تغییر یافته است.

ترکیه کشوری است که نقش مذهب و ارزش‌های دینی از قرن‌های گذشته یعنی از دوران امپراطوری عثمانی که اسلام هویت مردم و جامعه را تشکیل می‌داد و چه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه که دولت ادعا می‌کند به ارزش‌های اسلامی و انسانی توجه نشان می‌دهد، در ساختار سیاسی این سرزمین حضوری پررنگ داشته و در تصمیم‌های سیاسی دولتمردان آن تعیین‌کننده بوده است. اما در طی سال‌های حکومت آتاتورک و حکومت‌گران سکولار دین از متن جامعه به حاشیه رانده شد؛ ولی حذف نگردید. تأسیس مدارس امام خطیب، فرستادن امامان جماعات به دیگر کشورها، برگزاری سمینارهای اسلامی در دیگر کشورها و حضور انجمن‌های اسلامی و طریقت‌ها نشان از این امر است؛ گرچه فعالیت طریقت‌ها در این دوران کم‌رنگ شد اما ادامه یافت. به این ترتیب اسلام از دوران عثمانیان در ساختار جامعه حضور داشته تا اینکه این هویت دینی به ایدئولوژی (اسلام سیاسی) تبدیل شد.

از دهه ۱۹۵۰ میلادی رشد فعالیت‌های دینی در قالب احزاب سیاسی و همکاری با طریقت‌ها، سیاست‌های اقتصادی نولیبرال تورگوت اوزال، ظهور طبقه بورژوازی مسلمان، کودتاهای ارتش و نقش بازار و کارآفرینان باعث شد که اسلام سیاسی به‌عنوان یک بازیگر مهم از طریق شبکه‌های اجتماعی در سپهر عمومی جامعه تقویت شود و در سال ۱۹۹۷ بتواند با سکولارها یک دولت ائتلافی تشکیل دهد. لذا در این کشور نیمه‌صنعتی و نیمه‌آسیایی-نیمه‌اروپایی، گفتمان اسلام‌گرایی ابتدا از طریق حزب وارد مدار سیاست در جامعه شد و با کودتای ۲۸ فوریه سال ۱۹۹۷ علیه نجم‌الدین اربکان (نخست‌وزیر اسلام‌گرا) و انحلال حزب رفاه از صحنه سیاست حذف گردید. این مسئله شوک بزرگی بر اسلام‌گرایی در این کشور وارد آورد

اما این گفتمان متوقف نماند و اسلام‌گرایان حزب «فضیلت» را تشکیل دادند، در حالی‌که در نگرششان نسبت به غرب و اسلام تغییراتی صورت گرفت. این‌گونه است که شاهد تغییر و تحول در گفتمان اسلام سیاسی در این دوران هستیم.

با تشکیل حزب فضیلت، اسلام‌گرایی وارد دوره جدیدی از فعالیت خود شد و مجدداً شروع به فعالیت کرد. اما اعضای این حزب بعد از مدتی فعالیت به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی و البته تحت تأثیر تغییر گفتمان نظام بین‌المللی به دو گروه تقسیم شدند: سنتی‌ها و مدرن‌ها. سنتی‌ها حزب «سعادت» را تشکیل دادند و مدرن‌ها حزب «عدالت و توسعه»، اما این مدرن‌ها بودند که توانستند ساختار قدرت را به نفع خود تغییر دهند و حکومت را در دست بگیرند، لذا گفتمان پسا اسلام‌گرایی توانست زیر تیغ سکولاریسم به تدریج راه به جلو باز کند و قدرت را به دست بگیرد بدون اینکه با مقاومت شدیدی از سوی سکولارها و ملی‌گرایان تندر و روبه‌رو شود. ترکیه مانند پرنده‌ای است که یک بال آن به سمت اسلام‌گرایی و بال دیگر آن به سمت سکولاریسم در پرواز است. در تعارض میان این دو موضوع می‌توان ادعا کرد که در کشاکش میان اسلام و سکولاریسم، گفتمان پسا اسلام‌گرایی تا اندازه قابل توجهی توانسته در توسعه سیاسی و اقتصادی کشور موفق باشد.

با به قدرت رسیدن پسا اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) به رهبری رجب طیب اردوغان، در سال ۲۰۰۲ به نظر می‌رسید روند دموکراتیزاسیون در این کشور سرعت بیشتری پیدا کرده؛ زیرا اساس گفتمان حزب حاکم «حقوق بشر» و «رعایت اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی» بیان شده بود. استراتژی و ستون تفکر اردوغان «تفاهم میان دو ایدئولوژی» یعنی «اسلام و سکولاریسم» است. وی به این نتیجه رسیده است که برای موفقیت گفتمان پسا اسلام‌گرایی در یک نظام سکولار باید موضع خود را از مخالفت با نظام سکولار به طرفدار آن تغییر دهد. یعنی به اصول سکولاریسم ارجح گذارد؛ در حالی‌که سعی دارد به ارزش‌های اسلامی در جامعه توجه کند. لازم به یادآوری است که اردوغان در کشوری به قدرت رسیده است که بیشتر مردم آن مسلمان هستند و هویت جامعه نیز از گذشته، هویت اسلامی و ترکی بوده است؛ اما براساس نظرسنجی‌ها تنها ده درصد از مردم خواهان اجرای موازین شریعت در قوانین حکومتی هستند. به این ترتیب به نظر می‌رسد با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی که در ترکیه رخ داده، دو عنصر ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) یعنی زبان و هویت ترکی از اهمیت بیشتری نسبت به عنصر مذهب در عرصه سیاست برخوردار است.

در پرتو ثبات سیاسی و اقتصادی دولت حزب عدالت و توسعه<sup>۱</sup> جامعه ترکیه و جهان خارج خواهان حضور این حزب در قدرت بودند. اردوغان توانست افزون بر توجه به اصول حقوق بشر و جامعه مدنی به ثبات اقتصادی دست یابد و تورم را کنترل کند. به علاوه سرمایه‌گذاری‌های وسیع خارجی و حمایت ایالات متحده آمریکا چه در بعد سیاسی و چه اقتصادی باعث بالندگی ترکیه در جامعه جهانی شده است. رشد اقتصادی یازده درصدی در دوره حکومت پسا اسلام‌گرایان باعث شد که نظام بین‌الملل و حتی برخی سکولاریست‌ها خواهان حضور حزب عدالت و توسعه در قدرت باشند؛ اگرچه نظریات سیاسی و اجتماعی این حزب را قبول ندارند. این گونه است که تا اندازه‌ای بحث حقوق بشر، دموکراسی، وجود انواع آزادی‌ها، حقوق زنان و اقلیت‌ها در این کشور نهادینه شده و بحث و جدلی تقریباً بر سر این موضوعات در ساختار حکومتی البته تا قبل از سال ۲۰۱۱ نبود. اکنون در ترکیه صحبت از این بود که چگونه پلورالیسم سیاسی و فرهنگی گسترش و تعمیق یابد تا تمام شهروندان از یک رضایت‌مندی کامل برخوردار شوند و در واقع «زمستان نارضایتی» در این کشور به پایان برسد. یعنی «دولت پاسخگوتر» در برابر «شهروند رضایت‌مندتر». دولتی که تا حد زیادی گذار به روند دموکراتیزاسیون را پشت سر گذاشته و درصد تثبیت دموکراسی از طریق تغییر و اصلاح قانون اساسی سکولار بود. با وجود این اردوغان در زمینه حقوق بشر و اقلیت‌ها با انتقادات و چالش‌هایی روبه‌رو شده است.

گفتمان پسا اسلام‌گرایی در ترکیه گرچه در طی بیش از یک دهه (۲۰۰۲-۲۰۱۷) حکومت‌داری توانست بر مشکلات اقتصادی فائق آید و اسلام سیاسی در ترکیه را باز تعریف کند؛ اما با چالش‌هایی از جمله ارتش، قانون اساسی سکولار، اقلیت‌ها (کردها و علوی‌ها)، حجاب و مباحث حقوق بشری روبه‌رو است. این موضوعات باعث دشواری عضویت این کشور در اتحادیه اروپا شده است. اتحادیه اروپا یک اتحادیه غربی است که آنکارا قصد عضویت در آن را دارد. عضویت آنکارا در این باشگاه مسیحی طبیعتاً روابط جهان اسلام و غرب را متأثر خواهد کرد و بر مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی این دو تأثیر خواهد گذاشت. در کنار موفقیت حزب حاکم در مسائل داخلی، به نظر می‌رسید اردوغان سعی کرده

۱. تا قبل تحولات جهان عرب و بحران سیاسی سوریه (۲۰۱۱) ترکیه از ثبات سیاسی و اقتصادی خوبی برخوردار بود اما مخالفت با دولت بشاراسد و ارتباط با داعش نشان داد که آنکارا از سیاست «تنش صفر با همسایگان» دور شده، لذا این نگرش تا اندازه‌ای تأثیر منفی بر سیاست و اقتصاد این کشور گذاشته است.

در حالی که متحد استراتژیک ایالات متحده و خواستار عضویت در اتحادیه اروپا است به دنبال سیاست «تنش صفر با همسایگان» باشد، در حالی که سیاست خارجی ترکیه را در چارچوب ارزش‌های انسانی و اخلاقی بازتعریف می‌کند. مشاجره لفظی وی با شیمون پرز (رئیس‌جمهور اسرائیل) در اجلاسیه داووس، ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم غزه در قالب کاروان آزادی غزه، حضور در سوماتلی، سخنرانی در میدان التحریر مصر در همین راستا ارزیابی می‌شود. چراکه دولت اردوغان را به «دولتی اخلاقی» به جهانیان معرفی کرد. اما تحولات جهان عرب (۲۰۱۱) و مداخله در کشورهای عراق، سوریه و مصر، همکاری با داعش<sup>۱</sup> و همچنین استقرار سپر دفاعی موشکی در مرز ایران و ترکیه، سیاست تنش صفر با همسایگان را به چالش کشید و دولتمردان ترکیه مورد انتقاد قرار گرفتند.

موفقیت اقتصادی و سیاسی دولت پسا اسلام‌گرایی ترکیه در طی سال‌های (۲۰۰۲-۲۰۱۲) که در پرتو اصول دموکراسی و نگاهی به ارزش‌های اسلامی بود باعث شد که این کشور در منطقه و نظام جهانی جایگاه ویژه‌ای پیدا کند، چنان‌که، برخی از تحلیل‌گران غربی معتقد بودند که این کشور در آینده الگوی مناسبی برای دیگر کشورهای مسلمان خواهد شد. در همین راستا، دولت اردوغان تلاش کرد با توجه به موفقیت‌های اقتصادی و رفع مشکلات در داخل کشور به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی بپردازد تا بتواند از این طریق، نفوذ فرهنگی خود را در این کشورها تعمیق بخشد و به بازیگری مهم در منطقه و نظام جهانی تبدیل شود. رهبران حزب عدالت و توسعه فکر می‌کردند با نفوذ در این کشورها هویت تاریخی امپراطوری عثمانی را زنده خواهند کرد. موضوعی که از آن در تئوری «عمق استراتژیک»<sup>۲</sup> داوود اوغلو به «نوع‌عثمانی‌گرایی»<sup>۳</sup> یاد می‌شود.

با این مقدمه لاجرم می‌توان ادعا کرد که متعاقب برخورد ایدئولوژی‌ها در ترکیه در دهه‌های اخیر گفتمان اسلام‌گرایی و سپس پسا اسلام‌گرایی توانست در کنار گفتمان سکولاریسم به قدرت دست یابد؛ چنان‌که برای بیش از یک دهه است که پسا اسلام‌گرایان قدرت را در دست دارند. رجب اردوغان برای ۱۲ سال نخست‌وزیر ترکیه بود و اکنون رئیس‌جمهور این کشور است.

---

۱. دولت ترکیه متهم به ارسال تسلیحات و خرید نفت و معالجه شبه نظامیان زخمی داعش در خاک ترکیه شده است؛ اگرچه این اتهامات را رد می‌کند.

2. Strategic Depth.

3. New Ottomanism.

## ۲. اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی ترکیه و چرایی ظهور و افول پنج گفتمان پان عثمانیسم، پان اسلامیسم، پان ترکیسم، سکولاریسم، اسلام‌گرایی و البته تولد گفتمان پسا اسلام‌گرایی است. همچنین، در این نوشتار تلاش شده جایگاه دین نیز در چارچوب این گفتمان‌ها مورد بررسی قرار گیرد. سپس نگارنده به توضیح و تبیین احیای گفتمان اسلام سیاسی در برخورد با گفتمان سکولاریسم و تغییر و تحول اسلام سیاسی با وقوع فراگرد ۲۸ فوریه سال ۱۹۹۷ یعنی در دوران به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان سنتی (دولت ائتلافی اربکان-چیلدر) و سپس در دوران پسا اسلام‌گرایان می‌پردازد. تمرکز تحقیق عمدتاً بر سه گفتمان سکولاریسم، اسلام‌گرایی و پسا اسلام‌گرایی است. گفتمان‌هایی که هر یک تعریف خاصی از دخالت دین در عرصه سیاست و حکومت در جامعه ترکیه داشته‌اند، لذا در پردازش این موضوع سیاست داخلی و خارجی سکولارها، اسلام‌گرایان و پسا اسلام‌گرایان در چارچوب نظام سکولاریستی ترکیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نظام سکولاری که اسلام سیاسی را به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در کشور پذیرفته است و سعی به مقابله با این حقیقت ندارد. این تحقیق در نهایت چگونگی به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و سیاست داخلی و خارجی آنان را مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهد.

## ۳. اهمیت، ضرورت‌ها و موارد کاربرد (توجیه علمی، اجتماعی، اقتصادی)

تجزیه و تحلیل شش گفتمان یا ایدئولوژی مورد نظر که برای سال‌ها هر کدام توانستند بر سرزمین عثمانی و سپس جمهوری ترکیه حکومت کنند درک بهتری برای تجزیه و تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی این سرزمین خواهد داد. این کشور که سال‌ها در معرض چالش میان ایدئولوژی‌های گوناگون بوده اکنون تحت حاکمیت گفتمان پسا اسلام‌گرایی است. ترکیه نقش مهمی در معادلات منطقه‌ای داشته چنان‌که با به قدرت رسیدن گفتمان پسا اسلام‌گرایی یا اسلام‌گرایی مدرن که اسلام سیاسی در ترکیه را باز تعریف کرد توجه تحلیل‌گران سیاسی را به این گفتمان در این سرزمین جلب می‌کند.

## ۴. سؤال اصلی

در برخورد ایدئولوژی‌های گوناگون در ترکیه، چگونه و تحت چه شرایطی گفتمان

۸ برخورد ایدئولوژی‌ها در ترکیه از عثمانی‌گرایی تا اسلام‌گرایی مدرن

پسا اسلام‌گرایی توانسته محتوای ماهیت سیاست، که چالش میان سکولاریسم و اسلام در این کشور است را تغییر دهد و در موازات با سکولاریسم بر ساختار قدرت مسلط شود؟

## ۵. فرضیه‌ها

الف. با توجه به ماهیت تکثرگرای سکولاریسم، شرایط باز سیاسی از دهه پنجاه میلادی قرن بیستم، ظهور طبقه بورژوازی مسلمان و حمایت آمریکا، اسلام‌گرایان سنتی و سپس پسا اسلام‌گرایی توانسته‌اند در رقابت با دیگر ایدئولوژی‌ها، در حالی که سکولاریسم هنوز استخوان‌بندی اصلی نظام ترکیه را تشکیل می‌دهد، قدرت سیاسی را به نفع خود تغییر دهند و در نهایت پسا اسلام‌گرایان از اوایل قرن بیست و یکم به تعبیر خودشان در راستای یک جامعه دموکراتیک گام بردارند؛

ب. به نظر می‌رسد تا زمانی که اصول سکولاریسم در ترکیه در خطر نباشد سکولارها، اسلام‌گرایان را تحمل خواهند کرد. البته کمالیست‌ها هم در تلاش هستند با تغییر در اصول مورد نظرشان و اسلام‌گرایان هم با تغییر در نگرش‌شان نسبت به اسلام سنتی و غرب به یکدیگر نزدیک شوند. این امر ناشی از شرایط داخلی ترکیه و نظام بین‌الملل است.

## ۶. روش تحقیق

روش تحقیق بنا به اقتضای موضوع، کتابخانه‌ای است. این روش با استفاده از متون علمی تلاش دارد چگونگی شکل‌گیری هر شش گفتمان و سپس جایگاه دین را در هر یک از این ایدئولوژی‌ها مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. لذا مهم‌ترین روش آزمون فرضیه‌های این تحقیق مطالعه کتب و مقالات داخلی و خارجی بوده، در حالی که نگارنده شاهد تحولات سیاسی در سال‌های اخیر در ترکیه بوده است. این تحقیق با رویکرد تاریخی و تبیینی-تفسیری به موضوع می‌پردازد.

## ۷. بررسی پیشینه تحقیق

الیگور (۲۰۱۰) در کتاب *The mobilization of Political Islam in Turkey* به این موضوع می‌پردازد که چرا اسلام سیاسی که بخشی از سیاست‌های ترکیه از دهه هفتاد میلادی بوده است، تنها از دهه نود میلادی در این کشور روندی رو به رشد داشته و اکنون این ایدئولوژی قدرت سیاسی



در این کشور را به دست گرفته است. این کتاب با تأکید بر عمل‌گرایی اسلامی در ترکیه که به واسطه قدرت انتخابی فزاینده چهار حزب سیاسی اسلام‌گرای رفاه، فضیلت، سعادت و حزب عدالت و توسعه اعمال می‌شود، مباحث را تجزیه و تحلیل می‌کند. کتاب یاد شده با توجه به تئوری جنبش اجتماعی و مدلی از فرآیند سیاسی به توضیح موضوع می‌پردازد. نویسنده معتقد است که اسلام‌گرایان با استفاده از فرصت ساختار سیاسی توانستند به موفقیت دست یابند.

هل و اوزبودن (۲۰۱۰) در کتاب *Islamism, Democracy and liberalism in Turkey* دستورالعمل‌های ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه و مبانی اجتماعی و عملکرد حزب را در صحنه سیاست عمومی - اصلاحات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و سیاست خارجی - توضیح می‌دهند. رئوس کلی کتاب شامل جنبه‌های مهم منازعات جهانی رایج در روابط میان اسلام، اسلام‌گرایی و دموکراسی است.

آزاک (۲۰۱۰) در کتاب *Islam and Secularism In Turkey, Kemalism, Religion and the Nation State* به بازآفرینی واهمه‌ای از تعصب اسلامی می‌پردازد که برای سکولاریسم کمالی مهم و حیاتی است. سکولاریسم کمالی این واهمه را از ابتدای جمهوری بر مبنای گفتمان خاصی از اسلام که اسلام «مسلمانان بد» را با اسلام «مسلمانان خوب» در تقابل قرار می‌دهد، باز تولید می‌کند. این کتاب همچنین تأثیر انقلاب گفتمان کمالیستی را بر اسلام و تلاش آن برای متمایزسازی اسلام تعصبی «مسلمانان بد» از آنچه که اسلام آرمانی شده به‌عنوان اسلام ترکی و سکولاریسم خوانده می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این به تجزیه و تحلیل گفتمان سکولاریسم به‌دلیل تمرکز بر بازسازی مستمر در منازعات مردمی به رهبری رهبران سیاسی و روشنفکران نزدیک می‌شود و اینکه چگونه رهبران سیاسی، روشنفکران و مذاکره‌کنندگان در مورد مفهوم سکولاریسم، این گفتمان را در طول حاکمیت رژیم تک حزبی شکل دادند و آن را در اولین دهه‌های دوران حاکمیت چند حزبی مجدداً طراحی کردند، می‌پردازد.

نامور حقیقی (۱۳۷۲) در کتاب پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی در ترکیه رشد اسلام‌گرایی را طی دهه‌های گذشته بررسی کرده است. اسلام‌گرایی‌ای که توانسته است از طریق شبکه‌های اجتماعی قدرت را به دست گیرد. وی معتقد است عرصه سیاسی و فرهنگی ترکیه شاهد نبردی میان جنبش احیای لائیسزم مدرن و احیای اسلام انقلابی است که اگر جریان اسلام‌گرایی قادر باشد سازمان‌های حزبی خود را قدرت ببخشد موفقیت بزرگی را کسب کرده است تا بتواند از آزادی‌های موجود بیشترین بهره‌برداری را بکند.

هاکان یاوز (۱۳۸۹) - نویسنده ترکیه‌ای - در کتاب خود با عنوان سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه ابتدا به تعریف حزب اسلامی و اینکه چه چیزی یک حزب اسلامی را از حزب سکولار متمایز می‌کند می‌پردازد. بررسی ریشه‌های سیاسی و اقتصادی حزب عدالت و توسعه، چگونگی رویکرد حزبی سیاسی و پایبندی به ایدئولوژی عمیق دینی و تساهل و دموکراسی از دیگر موضوعاتی است که در این کتاب بررسی شده است. از دیدگاه نویسنده رویکرد اسلام‌گرایانه راه و روشی است برای جذب حاشیه‌نشینان یک جامعه که در صحنه سیاسی جایگاهی ندارند. اما حزب عدالت و توسعه گرچه به حاشیه‌نشینان توجه دارد؛ ولی پایگاه اجتماعی این حزب در میان طبقه بورژوازی محافظه کار آناتولی است.

این نویسنده معروف ترکیه‌ای در کتاب دیگری یعنی هویت سیاسی اسلامی در ترکیه معاصر (۱۳۹۲) درصدد ادعای این مطلب است که هویت و جستجوی عدالت از سوی جنبش‌های اسلامی در ترکیه مدرن بعد از سال ۱۹۶۰، به وسیله دو پیشرفت وابسته به هم قالب‌ریزی شده است؛ «گشایش سیاسی نئولیبرال» که از سوی دولت عرفی نمایندگی می‌شود و «تملک بعدی این فضاها فرصت جدید» از سوی گروه‌های اسلامی و روشنفکران این پیشرفت‌ها به وسیله بررسی نهادها و تکامل برخی از جنبش‌های اسلامی هویتی ترک انجام یافته است.

نادر انتخابی (۱۳۹۲) در کتاب دین، دولت و تجدد در ترکیه به بررسی رابطه دین و دولت در دوران عثمانیان و جمهوری مدرن ترکیه می‌پردازد. وی در این کتاب به بررسی این موضوعات می‌پردازد که چرا و چگونه در دوره اصلاحات (از سده هجدهم به بعد) علما توان مالی، اداری و سیاسی خود را از دست دادند. همچنین واکنش زمامداران و دیوان سالاران عثمانی در برابر تمدن غرب و رهیافت اهل دین را نسبت به این تمدن و چرایی شکل‌گیری طبقه روشنفکر ترک عثمانی و واکنش آنان به چالش‌های موجود را مورد تحلیل قرار می‌دهد. علاوه بر آن به این پرسش پاسخ می‌دهد که در جمهوری ترکیه چگونه دولت کنترل کامل دین را به دست گرفت و واکنش جامعه در برابر اصلاحات دین‌زدایی دولت سکولار چگونه بود.

## ۸. تفاوت این تحقیق با تحقیقات دیگر

این تحقیق در ابتدا تلاش دارد شرایط سیاسی و اجتماعی دوران سلطنت عثمانیان را در شکل‌گیری و ظهور سه گفتمان پان‌عثمانیسم، پان‌اسلامیسم و پان‌ترکیسم توضیح دهد و همچنین به واکاوی این موضوع بپردازد که چگونه و چرا این سه ایدئولوژی بعد از مدتی سلطه

بر کشور رو به افول گذاشتند و نتوانستند امپراطوری را حفظ نمایند. علاوه بر این تمرکز بیشتر این تحقیق بر این موضوع است که سکولاریسم چگونه توانست در برابر پان ترکیسم ترکان جوان در این سرزمین ظهور یابد و گفتمان حاکم بر نظام ترکیه برای سال‌های متمادی شود. همچنین در دوران حاکمیت سکولارها اسلام چگونه به اسلام‌گرایی تبدیل شد و در نهایت با تغییر و تحولاتی به پسا اسلام‌گرایی تغییر یافت، نیز از تفاوت‌های این تحقیق با تحقیقات دیگری است که در قسمت پیشینه تحقیق آمده است.

مانده ارکان

زمستان ۱۳۹۵



## فصل اول

# مروری بر شش گفتمان پان عثمانیسم، پان اسلامیسیم، پان ترکیسیم، سکولاریسیم، اسلام گرایی و پسا اسلام گرایی

### مقدمه

ایدئولوژی‌ها که در دوران حاکمیت و سلطه خود، باورهای رهایی بخش محسوب می‌شوند، چارچوب فکری و عقیدتی برای پاسخ به معضلات جامعه‌ای می‌باشند که با بحران روبه‌رو شده است. یعنی مفاهیمی هستند برای تحقق اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه. لذا شرایط هر جامعه بحران‌زده باعث تولد ایدئولوژی‌ها می‌شوند تا نیازها را پاسخ گویند. این‌گونه است که ایدئولوژی‌ها یا گفتمان‌ها که نمودی از واقعیات موجود یک جامعه هستند و نظم موجود را به چالش می‌کشند به یک ضرورت برای رفع نیازهای بشری تبدیل می‌شوند؛ چراکه این ظرفیت را دارند که کارکرد خود را نسبت به مشکلات و معضلات یک جامعه بالا ببرند و راه حل بجویند.

کلمه ایدئولوژی اولین بار توسط دستودوتراسی به کار برده شد. تعریف وی از ایدئولوژی، علمی است که همراه با مأموریت و مسئولیت است. یعنی ایدئولوژی مسئولیت دارد که کارکرد ارائه دهد تا وضع موجود را به نفع خود تغییر دهد و به اهداف خود دست یابد. با توجه به این مقدمه در این فصل تلاش شده تا اندیشه‌ها و آرای هر یک از گفتمان‌های مورد نظر در کشور ترکیه بررسی شود و همچنین هر یک از آنها برای رسیدن به اهداف مورد نظرشان در برابر دیگر ایدئولوژی‌های رقیب چه نوع کارکردی ارائه کرده است. البته این موضوع که دین اسلام چه جایگاهی در هر یک از این گفتمان‌های سیاسی دارد را هم مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

در دوران سلطنت عثمانیان<sup>۱</sup> و در اواخر حیات این امپراطوری این کشور با مشکلات متعددی روبه‌رو بود؛ به‌گونه‌ای که اروپاییان به آن لقب «مرد بیمار» اروپا را داده بودند. از این‌رو بود که ایدئولوژی‌های پان‌عثمانیسم، پان‌اسلامیسم و در نهایت پان‌ترکیسم در دوران سلطنت عثمانیان متولد شدند تا این کشور را از خطر سقوط نجات دهند گرچه موفق نشدند و تنها امپراطوری مسلمان بعد از شش قرن از هم فرو پاشید. اما با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی عثمانیان و سقوط این امپراطوری، ایدئولوژی سکولاریسم بر روی خرابه‌های این سرزمین سلطان‌نشین ظهور یافت. ماهیت این ایدئولوژی و البته فضای باز سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم به‌گونه‌ای بود که مجال ظهور به دیگر ایدئولوژی‌ها را نیز می‌داد که در این میان می‌توان از ظهور گفتمان اسلام‌گرایی (اسلام سیاسی) نام برد. این گفتمان از درون سکولاریسم متولد و وارد فضای سیاسی کشور شد. البته اسلام سیاسی هم به‌دلایلی از جمله تغییر و تحول در درک روشنفکران مسلمان ترکیه‌ای از اسلام‌گرایی سنتی و همچنین تغییر در نظام بین‌الملل به گفتمان پسا اسلام‌گرایی تغییر یافت.

## گفتار اول:

### فلسفه شکل‌گیری گفتمان‌های عثمانیان

شرایط سیاسی و اجتماعی امپراطوری عثمانی که «اندیشه جنگ و جهاد در شکل‌گیری آن نقش مهمی ایفا کرد»،<sup>۲</sup> به‌گونه‌ای رقم خورده بود که در اواخر حیات این امپراطوری گفتمان‌های متفاوتی توانستند مجال ظهور پیدا کنند تا بتوانند این سرزمین را از خطر فروپاشی نجات دهند. در بازار گفتمان‌های این امپراطوری پان‌عثمانیسم، پان‌اسلامیسم و پان‌ترکیسم سه گفتمانی بودند که عثمانیان برای مدت‌ها آنها را در ساختار سیاسی و اجتماعی خود تجربه کردند. بعد از افول پان‌عثمانیسم و به‌دنبال آن ظهور دو ایدئولوژی پان‌اسلامیسم در دوران حکومت سلطان عبدالحمید دوم و پان‌ترکیسم در دوران حکومت ترکان جوان این دو همانند پان‌قبلی خواستار این مسئله بودند

---

۱. عثمانیان گروهی از ترکمن‌ها بودند که در اواخر امپراطوری سلجوقیان از ترکستان به آسیای صغیر مهاجرت کردند. در آن زمان سلجوقیان روم که بخشی از سلسله دولت‌های سلجوقی بود در این سرزمین فرمان می‌راندند. ترکان عثمانی اندک اندک در نواحی غرب آناتولی به یک قدرت منطقه‌ای و متحد سلاجقه تبدیل شدند و بعداً جانشین آنان گشتند. نیای خاندان عثمانیان آرطغرل (فرزند سلیمان‌شاه) بود که با چهارصد خانواده ترکمن به آناتولی مهاجرت کرد.

۲. انتخابی، دین، دولت و تجدد در ترکیه، ص ۱۷.

مروری بر شش گفتمان پان عثمانیسم، پان اسلامیسیم، پان ترکیسم، ... ۱۵

که امپراطوری را از خطر فروپاشی نجات دهند؛ اما به‌رغم اینکه هر یک از این گفتمان‌ها برای مدتی در این سرزمین سلطه داشتند ولی موفق نشدند و مرد بیمار اروپا در لحظاتی که جنگ همه کشور را فرا گرفته بود، جان داد. به این ترتیب در گفتار اول به واکاوی شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه عثمانی که به ظهور و افول این سه ایدئولوژی و رقابت میان آنها انجامید، پرداخته می‌شود.

### ۱. پان عثمانیسم و پایان اتحاد دین و دولت

به دنبال تضعیف امپراطوری عثمانی سه ایده با هدف حفظ وحدت امپراطوری ظاهر شد: عثمانیسم، اسلامیسیم و ترکیسم.<sup>۱</sup> سه گفتمانی که در سال‌های پایانی عمر این امپراطوری با یکدیگر برخورد داشتند و هیچ‌یک از آنان نتوانستند عثمانیان را از خطر زوال و در نهایت سقوط نجات دهند و هر یک به افول گراییدند.

امپراطوری عثمانی از اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های گوناگونی شکل گرفته بود و سلطان، خلیفه<sup>۲</sup> مسلمانان تمام جهان شناخته می‌شد. در این سیستم که از اقوام و مذاهب مختلف تشکیل شده بود، هر قومی دین، آداب و رسوم، زبان و فرهنگ خاص خود را داشت. بنابراین اقوام با حفظ هویت مستقل خود در کنار یکدیگر با صلح و آرامش زندگی می‌کردند؛ درحالی‌که ایالات هم خودمختاری خود را از دولت مرکزی حفظ کرده بودند. تنها در مواردی که اتفاقی رخ می‌داد، برای کمک به دولت مرکزی نیرو اعزام می‌کردند.

---

1. Eligür, *The Mobilization Of Political Islam In Turkey*, p. 39.

۲. تا قرن پانزدهم میلادی سلاطین عثمانی خلیفه محسوب نمی‌شدند؛ اما در این قرن و در دوران سلطنت محمد فاتح که جنگ‌هایش به سقوط قسطنطنیه انجامید و توانست بیت‌المقدس و قسطنطنیه را به تصرف خود درآورد، مفهوم پایگاه جهان اسلام در امپراطوری عثمانی شکل گرفت و آرام آرام سلاطین عثمانی خود را خلیفه مسلمانان جهان نامیدند. اما ریچارد بولیت معتقد است که در واقع در قرن هیجدهم میلادی دولت عثمانی به علل سیاسی تمام ملاحظات شرعی را کنار گذاشت و خود را خلیفه مسلمانان خواند. تنها عبدالحمید دوم بود که از عنوان خلیفه برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی یاری جست (ووسینیچ، تاریخ امپراطوری عثمانی، ص ۱۱۲). سلطان‌های عثمانی به دلیل نقش خود به‌عنوان حافظ وحدت دارالاسلام و دفاع از این سرزمین‌ها در برابر بیگانگان و حتی گسترش دین اسلام در عمق قاره اروپا، لقب‌های «فاتح»، «غازی» بر خود می‌نهادند لذا چندان نیازمند ادعای منصب خلافت نبودند، البته گرچه گاهی مدعی آن بودند و اسنادی هم در این زمینه وجود دارد (درآمدی بر نقش علما در دولت‌های عثمانی و صفوی، [ansari.cateban.com](http://ansari.cateban.com)).

حکومت عثمانی به‌منظور جذب این اقوام گوناگون در ساختار سیاسی - اداری کشور نوعی نظام خودگردانی دینی - فرهنگی به نام «نظام ملت» پدید آورد.<sup>۱</sup> در این نظام، اقوام و ادیان مختلف ممنوعیتی برای انجام فعالیت‌های دینی خود نداشتند و تنها رهبران دینی‌شان مسئول امور آنان بودند و در برابر خلیفه پاسخگو بودند. در واقع عثمانی‌ها تقسیم‌بندی دینی را بر مبنای نوعی تقسیم‌بندی اداری کرده و گروه‌های دین را ملت نامیدند.<sup>۲</sup> در رابطه با این ساختار اجتماعی و سیاسی گوکالپ می‌نویسد: جماعت بیگانه یا بومی که در ترکیه وجود داشتند از قدرت سیاسی، مصونیت‌های قضایی و حتی اقتدار سیاسی برخوردار بودند که هیچ‌کدام از آنها را جماعات مقیم در فرانسه نداشتند.<sup>۳</sup> این‌گونه بود که مردم از هر قوم و نژادی از این نظام سیاسی رضایت نسبی داشتند و با آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند.

سلطان عثمانی که رهبری سیاسی و دینی را توأمان در دست داشت، باعث وحدت در این جامعه ناهمگن شده بود. همچنین دین اسلام و ارزش‌های متعالی<sup>۴</sup> آن همچون ملاطی تمام گروه‌های مختلف در این امپراطوری بزرگ را پیوند می‌داد و حس مشترک امت بودن را به آنان می‌بخشید؛ لذا این جامعه با تنوع قومی و مذهبی از یکپارچگی و وحدت نسبی برخوردار بود، یکپارچگی که اسلام و سلطان عامل قوام‌دهنده آن محسوب می‌شدند. چنان‌که «اسلام تنها یک منبع همبستگی اجتماعی و مجموعه‌سازمانی مهم ارزش‌ها برای پیوندهای افقی جوامع مختلف مسلمان نبود بلکه مرجعی نیز برای حاکمان در روابطشان با مردم بود».<sup>۵</sup> اما غیر مسلمانان مجبور نبودند اسلام را بپذیرند. به‌این دلیل که به دولت عثمانی جزیه و خراج می‌پرداختند و فرمانروایان عثمانی سودی در اسلام آوردن اتباع غیر مسلمان خود نداشتند.<sup>۶</sup> از

۱. انتخابی، ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه، ص ۵۸.

۲. احمد یاقی، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص ۷۹.

۳. گوکالپ، ناسیونالیسم ترک و تمدن باختر، ص ۴۰.

۴. ورود ارزش‌های متعالی اسلام در این امپراطوری از دوران سلجوقیان که در سرزمین آناتولی قبل از عثمانی‌ها می‌زیستند آغاز شد و ترک‌های عثمانی در واقع فرهنگ و تمدن خود را از دین اسلام کسب کردند. ترک‌ها پیش از مسلمان شدن از فرهنگ و تمدن همانند ایرانیان برخوردار نبودند و دین اسلام بود که باعث اقتدار آنان شد. ترک‌ها با پذیرش این دین به تدریج از دشت‌های آسیای مرکزی یعنی ایران و آسیای صغیر کوچ کردند و این‌گونه بود که اسلام باعث متمدن شدن آنان شد.

۵. یاووز، هویت سیاسی اسلامی ترکیه معاصر، ص ۶۵.

۶. انتخابی، ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه، ص ۵۸.



این دیدگاه تساهل دینی این سلاطین بیشتر بنیانی اقتصادی داشت تا سیاسی و مذهبی. اسلامی که مردم این سرزمین به آن اعتقاد داشتند با اسلام هیأت حاکمه عثمانی تفاوت داشت؛ زیرا دو نوع اسلام هم‌زمان در این جامعه مورد توجه بود. اسلام مردمی با طریقت‌ها،<sup>۱</sup> مذاهب، تکیه‌ها و اولیایی که داشت نشان‌دهنده قوی‌تر بودن آن نسبت به اسلام درباری و رسمی بود.<sup>۲</sup> اما اسلام غیر رسمی که در تار و پود جامعه آن زمان عثمانیان ریشه دوانده بود، هویت دینی این مردم را تشکیل می‌داد. در مجموع اسلام در این سرزمین اسلامی صوفیانه بود.<sup>۳</sup> به باور آنتونی بلک «دولت عثمانی میان اسلام مردمی و طریقت صوفی اتحاد به وجود آورد».<sup>۴</sup>

این امپراطوری که دارای ساختار سیاسی پیچیده – به دلیل شکل ویژه رابطه میان مذهب و سیاست<sup>۵</sup> – بود، اسلام با تمام ساختارها و قوانین جامعه تلفیق یافته بود و روحانیان در ساختار سیاسی حکومت جایگاه ویژه داشتند؛ لذا در این سامانه سیاسی تمام دستورهای دولتی به اعتقاد سلاطین آن از دین اسلام منبعث می‌شد. عثمانیان پیرو مکتب حنفی<sup>۶</sup> بودند و شریعت را به قوانینی که سلطان با توجه به دین و مذهب وضع می‌کرد گسترش می‌دادند و مواردی که برای انطباق برخی از قوانین با دین و شریعت به منابع دسترس‌ناشدنی، از عرف و عادات بهره می‌جستند.<sup>۷</sup> لذا این پادشاهان که دارای نظام سیاسی چندمذهبی و چندقومی بودند، هم از شریعت و هم از عرف و عادات به‌عنوان منبع قوانین استفاده می‌کردند. پس هویت دینی هم در

۱. طریقت‌ها ستون اصلی جامعه عثمانی بودند و هر شهروند این سرزمین عضوی از یک سلسله طریقت‌ها بود.

۲. سیاری، جریان‌ات اسلامی در ترکیه، ص ۳۸.

۳. اسلام صوفیانه اسلامی است که در آن تصوف و عرفان وجود دارد. سنت صوفی‌گری، خود را براساس فلسفه‌ای می‌داند که باید تمامی مخلوقات را به‌عنوان مظهر و تجلی فیزیکی خداوند و برخوردار از عشق خالق دوست داشت؛ در این نظام جایی برای «دشمنان» یا «دیگران» وجود ندارد (بولنت و کاه، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌اله گولن»، مطالعات خاورمیانه، ش ۳۲، ص ۶۰).

۴. بلک، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام: از عصر پیامبر تا امروز.

5. Ilter, Turan, "Religion And Political culture In Turkey", in Richard L. Tapper (edition), Islam In Modern Turkey, p. 28.

۶. مکتب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است که توسط ابوحنیفه نعمان‌بن‌ثابت (۸۰-۱۵۰ هجری قمری) فقیه و متکلم نامدار کوفه پایه‌گذاری شد. این مکتب بر هفت اصل استوار است: ۱. قرآن؛ ۲. سنت؛

۳. قول صحابه؛ ۴. مقیاس و رای؛ ۵. استحسان؛ ۶. اجماع؛ ۷. عرف.

۷. ذبیح‌زاده، «ترکیه لائیک، پیامد اصلاحات در دولت عثمانی»، معرفت، ش ۴۳.

مردم و هم در ساختار سیاسی جامعه نفوذ داشت و با آنان پیوند خورده بود. گرچه سلاطین عثمانی از دین تنها به‌عنوان ابزار استفاده می‌کردند تا به مقاصد خود دست یابند.

بنابراین عصر کلاسیک امپراطوری عثمانی نمادی از یک دولت مقتدر دینی بود که نقطه اوج آن در قرن شانزدهم نمایان شد.<sup>۱</sup> یعنی دورانی که روحانیان یا علما در تمام امور مملکتی دخالت و طبعاً نفوذ داشتند تا جایی که می‌توانستند دستورها و تصمیم‌های سلاطین را محکوم کنند. البته این جنبه نظری مسئله بود، چراکه در عمل پادشاهان عثمانی به روزگار قدرت خود هر گاه فتوای شیخ‌الاسلام<sup>۲</sup> را خوش نمی‌دیدند از دستور او اطاعت نمی‌کردند و حتی او را برکنار می‌کردند.<sup>۳</sup> تا جایی که شریف ماردین معتقد است در امپراطوری عثمانی دین از سیاست جدا بود. [از این دیدگاه] در دوران عثمانیان اصول شریعت در حوزه خصوصی کاربرد داشت، اما زندگی عمومی جامعه براساس عرف که دولت متصدی و مسئول آن بود تدوین می‌شد.<sup>۴</sup>

در این امپراطوری، نهادی تأسیس شد تا دین تحت کنترل دولت قرار گیرد. زیرا به گفته شریف ماردین تشکیلات مربوط به علما تحت کنترل دولت بود تا منشأ قدرتی مستقل از دولت نشود؛<sup>۵</sup> نهادی که تاکنون مذهب و نهادهای دینی را در این سرزمین تحت کنترل دارد. تأسیس نهاد دینی در دوران عثمانیان یعنی افزایش تسلط دولت بر دین بود. به این ترتیب بود حکومت از طریق علما در دیوان‌سالاری خود، به‌نحو مؤثرتری بر آنان نظارت داشت و نظارت بر دین به وظیفه اصلی نظام عثمانی تبدیل شده بود.<sup>۶</sup> با وجود این در امپراطوری رابطه میان دین و دولت یک رابطه دو سویه و اساسی بود. علما فرآیندهای آموزشی و قضایی را کنترل می‌کردند و از طریق نهاد فتوا فقط تصمیمات سیاسی سلطان و حکومت وی را تحریم یا محکوم می‌کردند.<sup>۷</sup> لذا دولت عثمانی وابسته و مدیون کمک‌های علما بود که با نفوذ در دربار آنان فعالیت می‌کردند.

۱. امپراطوری عثمانی در اوج قدرت خود مناطق آسیای کوچک، اکثر خاورمیانه، قسمت جنوب شرقی اروپا تا قفقاز و قسمت‌هایی از شمال آفریقا را دربر می‌گرفت.

۲. شیخ‌الاسلام رئیس روحانیان عثمانی بود که ریاست سازمان مشیخت (امور دینی و مذهبی) را به‌عهده داشت.

شیخ‌الاسلام در سلسله مراتب حکومتی در جایگاه سوم قرار داشت. نخست پادشاه؛ دوم وزیر اعظم؛ سوم

شیخ‌الاسلام؛ چهارم سران لشکر و ارتش. ۳. انتخابی، دین، دولت و تجدد در ترکیه، ص ۲۱.

۴. بولنت و عمر، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌اله گولن»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه،

ش ۳۲، ص ۶۱. ۵. سیاری، جریانات اسلامی در ترکیه، ص ۳۸.

۶. یاووز، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ص ۴۷.

۷. همان.

کاسقلو معتقد است که علما با بهره‌بردن از نهاد فتوا و ینی‌چری‌ها (ارتش جدید) به‌واسطه استفاده از قدرت نظامی‌شان فشار بر سلطان را آغاز کردند.<sup>۱</sup> البته روحانیان حاضر در دیوان‌سالاری سلاطین عثمانی از دین و مذهب برداشتی محافظه‌کارانه داشتند، به‌نحوی که تفسیرهای محافظه‌کارانه علما از اسلام مانع از تلاش‌های مدرنیزاسیون در امپراطوری می‌شد و با این وجود علما و ینی‌چری‌ها از فساد حکومتی تا قرن هجده در امان نبودند.<sup>۲</sup>

به باور عمر عبدالعزیز در امپراطوری عثمانی سلطه شیخ‌الاسلام تا به آن اندازه افزایش یافته بود که می‌توانست سلطان را با دادن فتوایی عزل کند؛<sup>۳</sup> به‌طوری‌که لوئیس می‌نویسد خلفای عثمانی از فتوای شیخ‌الاسلام برای رسیدگی به امور، گرفتن مجوز، صدور حکم جهاد برای بسیج مردم در لشکرکشی‌های نظامی و نیز اینکه نشان دهند همه چیز براساس اسلام پیش می‌رود، استفاده می‌کردند. اما تعصب و تحجر نهاد دینی عثمانی باعث شد به باور بلاه این نهاد در سال‌های بعد به صورت مهم‌ترین مانع در برابر حرکت‌های اصلاح‌طلبانه و روشنفکرانه درآید.<sup>۴</sup> احترام به علما، حرمین شریفین و آزادی فلسطین از ویژگی‌های دینی مثبت سلاطین عثمانی به شمار می‌رفت.

از آنجایی که پادشاهان عثمانی خود مروج دین اسلام از طریق قدرت نظامی بودند و اسلام دین رسمی و غالب این نظام سیاسی محسوب می‌شد و به‌علاوه در این سیستم روابط مسلمانان و غیرمسلمانان بر پایه دین استوار شده بود؛ از این‌رو جامعه عثمانی یک دولت دینی محسوب می‌شد. چنان‌که رابطه دین و دولت در این کشور تعاملی بود. برای سلاطین عثمانی دین اساس سیاست مشروع را تشکیل می‌داد؛ اما با این حال در امور اجرایی بیشتر به دولت اهمیت می‌دادند تا به اسلام.<sup>۵</sup> در همین راستا شریف ماردین معتقد است: دولت اسلامی خلفا از همان آغاز ماهیتی سیاسی و غیرمذهبی داشت که حکومت عثمانی هم این‌گونه بود و از این‌رو هرگز یک دولت اسلامی تمام‌عیار نبود. وی معتقد است که این امپراطوری چندملیتی و چندزبانی با گسترده‌شدن در سه قاره، مجبور بود در میان این ملل ناهمگون، ثبات و تعادل ایجاد کند و این امر امکان‌پذیر نبود مگر اینکه

1. Eligur, *the Mobilization of political Islam in Turkey*, p. 45.

2. Ibid.

۳. احمد یاقی، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص ۷۸.

4. Bellah, "Religious Aspects of Modernization in Turkey and Japan", in *secularization*, vol 1, p. 2.

۵. سیاری، جریان‌ات اسلامی در ترکیه، ص ۳۸.

سلاطین عثمانی قوانین و مقررات سنتی و شرعی خود را گسترش و توسعه دهند و آرام آرام به قوانین عرفی تبدیل کنند. با وجود این جامعه عثمانی قرن نوزدهم یک جامعه سنت‌گرا با یک نظام ارزشی بود که اساساً همه جنبه‌های زندگی به لحاظ تئوریک تحت اقتدار دین یعنی شریعت اسلام مقدر شده بود و حکومت در حوزه قانون شریعت از آزادی محدودی برخوردار بود.<sup>۱</sup>

در طول تاریخ عثمانیان (۱۲۹۹-۱۹۲۲) دین اسلام به‌عنوان پلی فرهنگی و سیاسی بین دولت و جامعه تداوم خود را حفظ کرد.<sup>۲</sup> این دین که به‌عنوان عامل وحدت‌بخش جامعه و همچنین ابزاری برای مبارزه با کفار و گسترش اسلام بود به‌همراه پیروزی‌های نظامی باعث حفظ نظام عثمانی شد. یعنی مانع سقوط و فروپاشی این سرزمین و نظام به نسبت ناهمگون این امپراطوری گردید. این پدیده الهی تا قبل از دوره تنظیمات به همراه پیروزی‌های نظامی به اندازه‌ای باعث توانمندشدن این امپراطوری شده بود که سلاطین عثمانی قصد تصرف اروپا را هم داشتند. البته عامل سیاست هم به حفظ این امپراطوری کمک می‌کرد. پیروزی‌های سیاسی و نظامی عثمانی‌ها باعث همراهی گرایش‌های مذهبی با گرایش‌های سیاسی شد و در یک کنش متقابل باعث اقتدار مذهب در عرصه اجتماع و اسطوره‌ای شدن قدرت خلیفه در عرصه سیاسی گردید.<sup>۳</sup> این‌گونه بود که امپراطوری عثمانی در قرن شانزدهم در دوران سلطنت سلیمان قانون<sup>۴</sup> (۱۴۵۳-۱۵۶۶) بسیار قدرتمند شده؛ به طوری که آوازه آن سراسر عالم را فرا گرفته بود. «این امپراطوری به یمن نرمش‌پذیری، قابلیت‌های چندگانه و مهارت‌های تشکیلاتی خود و نیز فتور دشمنان، از دروازه‌های وین تا آذربایجان و از کریمه تا سودان قدرت خود را گسترش داده بود».<sup>۵</sup> اما با مرگ این سلطان، امپراطوری کم‌کم ضعیف می‌گردد. فرنان برودل کاهش ارزش پول عثمانی در سال ۱۵۶۶ را نخستین نشانه ضعف امپراطوری عثمانی خوانده است.<sup>۶</sup> با وجود این ترکان

1. Ibid.

۲. یاووز، هویت سیاسی اسلامی در ترکیه معاصر، ص ۶۲.

۳. نامور حقیقی، پژوهش پیرامون علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، ص ۳.

۴. سلیمان قانون قوی‌ترین سلطان امپراطوری عثمانی بود که در دوران وی کشورگشایی‌های فراوانی انجام گرفت و این امپراطوری دارای نفوذ نظامی و فرهنگی زیادی شد. قوانینی که این سلطان عثمانی وضع کرد تا سال‌های طولانی پس از مرگش اساس این امپراطوری را تشکیل می‌داد و بر این کشور حاکم بود.

۵. یاووز، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ص ۴۵.

۶. انتخابی، دین، دولت و تجدد در ترکیه، ص ۴۴.

مروری بر شش گفتمان پان عثمانیسم، پان اسلامیسیم، پان ترکیسیم، ... ۲۱

عثمانی تا جنگ جهانی اول با تشکیل بزرگ‌ترین امپراطوری اسلامی، خلافت جهان اسلام را به عهده گرفته بودند.

اما این امپراطوری با چالش‌هایی از درون و برون نیز مواجه بود. چنان‌که نشانه‌های رکود در ساختار سیاسی این سرزمین از اوایل قرن هفدهم نمایان شد. رکودی که با تأثیر بر نهادهای اقتصادی و نظامی، دولتمردان عثمانی را وادار به انجام اصلاحات کرد. برایان ترنر معتقد است که در طول قرن شانزدهم و هفدهم توازن میان دنیای مسیحیت و اسلام آغاز به تغییر وضع کرد؛ به گونه‌ای که عثمانیان دیگر قادر به اداره امور مالی اقشار نظامی رو به افزایش خود و حفظ وفاداری سیاسی دسته‌جات نظامی‌شان نبودند؛ بنابراین تعجبی ندارد که در دوره جدید پیش از هر چیز علاقه‌مند به اصلاح نیروی نظامی باشند.<sup>۱</sup> این اصلاحات (نظامی) با شروع تنظیمات به دیگر ساختارهای حکومتی گسترش یافت و به اوج خود رسید و کم‌کم در طول زمان از اندیشه‌های غربی نیز متأثر شد. اصلاحات به سبک غربی در امپراطوری عثمانی از اوایل قرن هیجدهم (۱۷۱۸-۱۷۳۰) آغاز شد؛ اما مرحله دوم آن را دوران سلطنت سلطان سلیم سوم (۱۷۸۹-۱۸۰۷) ادامه یافت و مرحله سوم آن در دوران عبدالحمید دوم (۱۸۱۷-۱۸۳۹) که در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ قانون اساسی این اصطلاحات را تدوین و به تصویب رساند به اوج رسید.

از طرف دیگر دولت‌های غربی، فشار بر دولت عثمانی را برای پذیرش اصلاحات به سبک اروپایی شروع کردند تا این امپراطوری در حال سقوط را نجات دهند و دوباره قدرت عظیم گذشته را برگردانند. چراکه صلیبی‌ها و یهودی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که تنها دولتی که می‌تواند نگهبان دیار غرب از سلطه بیگانگان باشد امپراطوری عثمانی است.<sup>۲</sup> البته برخی تحلیل‌گران معتقدند که هدف بریتانیا و فرانسه از انجام اصلاحات تأمین منافع خودشان بود و اگر امپراطوری تجزیه می‌شد قسمت بزرگی از این امپراطوری به روسیه تعلق می‌گرفت؛ پس از دیدگاه آنان امپراطوری باید حفظ می‌شد.

افزون بر وجود مشکلات در ساختارهای حکومتی و فشارهای خارجی برای انجام تغییر و تحول در حکومت عثمانی، مصلحان این کشور هم خواهان اصلاحات بودند. هدف مصلحان عثمانی از مدرن‌شدن، پیروزی در مقاومت و مخالفت با خواسته‌های قدرت‌های اروپایی بود و

۱. ترنر، ماکس وبر و اسلام، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۲. احمد یاقی، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص ۱۴۲.

بدین‌سان به اصلاحات بیشتر در سطح اداری و نظامی تأکید داشتند.<sup>۱</sup> به‌دلیل تحولات تکنولوژیک، اروپاییان به‌لحاظ نظامی قدرتمند شده بودند؛ لذا مصلحان عثمانی خواهان تقویت پایه‌های نظامی کشور و مدرن‌کردن آن در برابر ارتش و نظامیان اروپا بودند.

تقویت بنیه نظامی برای بقای قدرت این امپراطوری بود. در نتیجه «پیوند نزدیکی بین فرایند غربی‌سازی و اقتدار دولت برقرار شد».<sup>۲</sup> با توجه به این پیوند، هدف مصلحان و دولتمردان عثمانی از زمان شروع پروژه اصلاحات در ساختارهای کشور تا جنبش «تنظیمات»<sup>۳</sup> به‌هیچ‌وجه برخورد یا حذف اسلام نبود. مصلحان عثمانی برای اسلام اهمیت فراوانی قائل بودند و در کنار آن خواهان مدرن‌شدن به سبک اروپایی نیز بودند. در امپراطوری عثمانی دین و دولت هم‌زمان با مدرنیته و مدرنیزاسیون و قدرت‌های غربی تعامل خود را برقرار کردند.<sup>۴</sup> چنان‌که این مسئله باعث پیشرفت این کشور شده بود.

«در این دوره حفظ دولت مهم‌ترین هدف برای گروهی از مقامات سکولار بود که بوروکرات‌هایی عمل‌گرا و تجربه‌گرا بودند. هپر (۱۹۸۵)، ماردین (۱۹۸۶)، زورچر و لیندن (۹۶-۹۷-۲۰۰۴) معتقدند که این سنت سیاست برای واقعیت به‌همراه «سنت دولت عثمانی» به‌طور عمده در ریشه فرایندهای مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون در امپراطوری قرن نوزدهم عثمانی مشاهده شده‌اند. این سنت سیاست دولتی را موزخان «دین و دولت» نامیده‌اند؛ یعنی نظام دوگانه‌ای از مشروعیت سیاسی است که در آن هم اسلام و هم دولت در قانون‌گذاری دخالت داشته‌اند».<sup>۵</sup>

در ادامه تغییر در ساختارهای حکومتی که همیشه از بالا صورت می‌گرفت، سلطان سلیم سوم اصلاحات نظامی و اداری را برای رویارویی با خطر روسیه انجام داد. عثمانیان درحالی‌که برای دین اسلام اهمیت قائل بودند، خواهان ورود تکنولوژی غربی به کشورشان بودند نه فرهنگ غرب. بنابراین در این دوره از اصلاحات، عثمانی‌ها ابتدا به توانمندسازی تشکیلات نظامی خود پرداختند نه غربی‌سازی کشور. علت این امر بر هم خوردن تعادل قدرت بین کشورهای غربی با امپراطوری عثمانی به‌دلیل افزایش قدرت تکنولوژیکی و نظامی اروپا نسبت به کشور عثمانی بود

۱. سعید، هراس بنیادین؛ اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ص ۷۹.

۲. یاووز، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ص ۵۵.

۳. اصلاحات قرن نوزدهم عثمانی در پروژه‌ای موسوم به «تنظیمات» صورت می‌گرفت.

۴. قادری، «مواجهه دو نهاد سیاسی با غرب»، روزنامه شرق، ۱۸ مرداد ۱۳۹۱.